

**The influence of the sectarian patrimonial government
on the conditions of Saudi Shiites**

Jamal Mirzadeh¹

Mohammad Hassan Elahi Menesh²

Abstract

The type and form of governments has a great impact on their relationship with the people. In such a way that the nature of the government can affect all political, social, economic and cultural affairs and other aspects of people's lives. The Saudi government, as a tribal and dynastic government system, dominated Saudi Arabia from the beginning of the 20th century, and with a model of patrimonial or patriarchal government, it has been able to establish its roots in this country. But the Saudi government also feeds on a kind of religious model. In the sense that Al Saud's connection with Wahhabi and Salafi teachings has shaped the religious foundations of this government and turned it into a sectarian patriarchal system. By proposing this hypothesis, this research seeks to understand the effect of the nature of the sectarian patrimonial government on the conditions of Shiites in Saudi Arabia. The findings of the research show that the dual nature of the sectarian patrimonial government in Saudi Arabia has caused discrimination against Shiites in the political, economic, religious, educational, occupational and social fields and deprived them of many of their rights.

Keywords: Shiites, Saudi Arabia, sectarian patrimonial, rights.

¹ . Doctoral student of Political Science, Political Sociology, Islamic Azad University, Qom branch. Iran **Mirzadeh1362000@gmail.com**

² . Assistant professor, member of the scientific faculty of Islamic Azad University, Qom branch. Iran. **Mhelahimanesh50@gmail.com**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 5, No 15, Spring 2023

سال پنجم، شماره ۱۵، بهار ۱۴۰۲

ppt 172-194

صفحات ۱۹۴-۱۷۲

تأثیر دولت پاتریمونال فرقه‌گرا بر شرایط شیعیان عربستان

جمال میرزاده^۱

محمد حسن الهی منش^۲

چکیده

نوع و شکل دولت‌ها در رابطه آن‌ها با مردم تأثیر بسزایی دارد. به‌نحوی که ماهیت دولت می‌تواند تمام شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و دیگر جنبه‌های زندگی مردم را تحت تأثیر قرارداد. دولت سعودی به‌مثابه یک نظام حکومتی قبیله‌ای و خاندانی از اوایل قرن بیستم بر عربستان سیطره یافت و با الگویی از دولت پاتریمونال یا پدرسالاری توانسته است، ریشه‌هایش را در این کشور تثبیت کند. دولت عربستان اما از نوعی الگوی مذهبی هم تغذیه می‌کند. به این معنا که پیوند آل سعود با آموزه‌های وهابی و سلفی، پایه‌های مذهبی این دولت را شکل داده است و آن را به‌صورت سیستمی پدرسالار فرقه‌گرا تبدیل کرده است. این پژوهش با طرح این فرضیه درصدد شناخت تأثیر ماهیت دولت پاتریمونال فرقه‌گرا بر شرایط شیعیان در عربستان سعودی است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ماهیت دوگانه دولت پاتریمونال فرقه‌گرا در عربستان سعودی، موجب تبعیض علیه شیعیان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی، آموزشی، شغلی و اجتماعی شده است.

واژگان کلیدی: شیعیان، عربستان، پاتریمونال فرقه‌گرا، حقوق

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. ایران

۲. استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

مطالعه وضعیت شیعیان جهان در دو دهه گذشته توجه تعداد زیادی از اندیشمندان را در رشته‌های مختلف به خود جلب کرده است. با توجه به اقلیتی بودن شیعیان و عدم هماهنگی بین حکومت‌های وقت و این گروه اقلیت رفتارهای ضدونقیضی با شیعیان صورت می‌گیرد. با وجود تلاش شیعیان برای ایجاد ارتباط با حکومت‌ها، وضعیت آنان چه از نظر اجتماعی و چه از نظر سیاسی نسبت به دیگر گروه‌های جامعه از بی‌توجهی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی رنج می‌برد. عربستان یکی از مناطقی است که ضرورت مطالعه وضعیت شیعیان برای مقابله با تبعیض‌ها و استرداد حقوق آنان وجود دارد (موسوی، ۱۳۹۸: ۷۱-۷۰). از همان بدو شکل‌گیری مذهب تشیع، شیعیان عربستان به دلیل باورهای مذهبی تحت فشار و ستم حکومت‌های مختلف در این کشور قرار گرفتند. تفسیر تندورانه مذهب ابن حنبل و بعدها گسترش آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب که با حکومت آل سعود پیوند دینی عمیقی داشت، فضا را برای شیعیان در عربستان سخت و سخت‌تر کرد. به باور وهابیان که پایه‌های ساختار حکومت در عربستان سعودی را شکل داده‌اند، شیعیان به دلیل توسل به ائمه اطهار و اولیای الهی، زیارت و تبرک جستن به قبور و شفاعت، در دین اسلام بدعت‌گذاری کردند و لذا مورد تکفیر قرار گرفتند. با سیطره آل سعود بر همه سرزمین عربستان در اوایل قرن بیستم، انتظار می‌رفت که شرایط برای شیعیان سخت از قبل شود، چراکه نوعی حکومت پاتریمونیالیستی و موروثی در عربستان تشکیل شد که از آموزه‌های وهابیت تغذیه می‌کرد و شیعیان در مرکز این آماج خشونت‌های آل سعود قرار گرفت. این پژوهش با هدف شرایط شیعیان این سؤال را مطرح می‌کند، که ماهیت دولت پاتریمونال فرقه‌گرای عربستان سعودی، چه پیامدهایی برای شیعیان این کشور داشته است؟ مقاله فرضیه این است که دولت پاتریمونال موجب محدودیت‌های برای شیعیان در عرصه آموزشی، اقتصادی، فرهنگی شده است. مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش

کلارکسون (۱۴۰۱)، موضوع «تبعیض ساختاری علیه اقلیت شیعه در استخدام و محل کار» را بررسی کرده است. به نظر نویسنده، شیعیان در عربستان با تبعیض ساختاری علیه خود روبرو هستند که در استیلاي اندیشه افراطی وهابی گری در این کشور ریشه دارد. عاطفه‌اند (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «احیای هویتی شیعیان عربستان: ابعاد و زمینه‌ها (۲۰۱۱-۲۰۱۵)»، ریشه‌های داخلی احیای هویتی شیعیان عربستان را ناشی از جستجو و تأمین امنیت و آگاهی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ریشه‌های خارجی آن را در پیامدهای انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی می‌داند. افشاری راد (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «دلایل سیاست سرکوب گرایانه در قبال شیعیان عربستان سعودی با رویکرد بنیادگرایی اسلامی»، رسمیت یافتن قرائت بنیادگرایانه و پیوند آن با قدرت سیاسی را از عوامل اصلی سرکوب شیعیان در عربستان سعودی می‌داند. فواد ابراهیم (۱۳۸۶) در کتاب شیعیان عربستان به شرایط این جماعت را در عربستان از لحاظ سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی بررسی می‌کند فولر و فرانکه (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «شیعیان عربستان سعودی»، برخورد تبعیض‌آمیز حکومت سنی عربستان سعودی با اقلیت شیعی، وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان و همچنین چالش‌های پیش روی آن‌ها و حکومت عربستان و راه برون‌رفت از این چالش‌ها با تأکید بر عرصه بین‌الملل را بررسی کرده‌اند.

نظریه پژوهش: دولت پاتریمونال فرقه‌گرا

پاتریمونالیسم شکلی از حکومت است که در آن تمام قدرت مستقیماً از حاکم سرچشمه می‌گیرد. هیچ تفاوتی بین حوزه عمومی و خصوصی وجود ندارد. دولت‌های پاتریمونال، رژیم‌ها خودکامه یا الیگارشی هستند و طبقات پایین، متوسط و بالا را از قدرت محروم می‌کنند. رهبران این کشورها معمولاً از قدرت شخصی مطلق برخوردارند و معمولاً ارتش

این کشورها، نه به ملت بلکه به حاکم وفادار هست. یک حاکم پاتریمونال ممکن است به تنهایی یا به عنوان عضوی از یک گروه نخبگان قدرتمند یا الیگارشسی عمل کند. در نظام‌های پاتریمونال، اختیارات حاکم گسترده است و حاکم و چند نفر از اعضای کلیدی خانواده یا کارکنان حاکم بر هر جنبه‌ای از حکومت کنترل و نظارت دارند. در این نظام‌ها، هیچ فرد یا گروهی به اندازه کافی قدرتمند نیست که به طور مداوم با حاکم مخالفت کند. حاکم یا سلطان عموماً به عنوان مالک اصلی و در موارد شدید به عنوان مالک تمام زمین‌های پادشاهی یا کشور شناخته می‌شود و اقتدار قانونی او تا حد زیادی بدون چالش است (Bakker, n.d:1). زمانی که در نظام پاتریمونال، مذهب یا دین سیاست‌های آن سیستم را تعیین کند و از طریق آن اقلیت‌های مذهبی تحت تبعیض یا محرومیت قرار گیرند، از این نظام‌ها به عنوان پاتریمونال مذهبی نام برده می‌شود. به عنوان مثال، حکومت در عربستان سعودی دارای چنین ویژگی‌هایی است زیرا، ساختار سیاسی در کنترل پادشاهی است که جزو خاندان آل سعود است، نظام قبیلگی در همه لایه‌های حکومت و جامعه عربستان نهادینه شده است و وهابیت و به عنوان تفسیری خشک و متعصبانه از دین اسلام، راهنمای عمل سیاست‌گذاران این کشور در مواجهه با اقلیت‌های دیگر بخصوص شیعیان است. در نظام پاتریمونال مذهبی عربستان، پادشاه و ولیعهد از قدرتی غیر پاسخگو و نامحدود برخوردارند و با استفاده از آموزه‌های وهابیت به عنوان یک فرقه مذهبی افراطی، بر جامعه عربستان حکومت می‌کنند. بنابراین در نظام پاتریمونال مذهبی، حاکم از فرقه‌ای مذهبی برای بسط مشروعیت و تحکیم جایگاه خود و خاندانش بهره می‌گیرد و از این طریق، حقوق تعداد زیادی از جامعه را هم نقض می‌کند.

تاریخ و تبارشناسی شیعیان در عربستان

نخستین مهد و محل شیعه در تاریخ اسلام شهر مدینه بوده است. نخستین شیعیان از میان صحابه پیامبر در همین شهر زندگی می‌کرده‌اند که به مرور زمان و با توجه به سفر برخی از

همین افراد و تابعان به نقاط مختلف دنیای اسلام، مذهب شیعه در خارج از حجاز نیز گسترش یافته است (محرمی، ۲۸۳۱: ۲۶۱). اما علیرغم این موضوع و اهمیت مدینه در برآمدن تشیع، به واسطه مسائل سیاسی، این شهر و حتی مکه در دو قرن نخستین هجری پایگاه استوار و محکمی برای شیعیان نبوده‌اند. امویان و عباسیان با گماردن امیرانی همسو با اعتقادات و مسائل سیاسی خود برای حکومت حرمین شریفین، اجازه ظهور و بروز جدی به شیعه در این گوشه مهم از دنیای اسلامی ندادند. شاید به همین سبب بوده است که شیعیان در آن زمان بیشتر عراق را برای اسکان برگزیدند و تقریباً بیشتر فعالیت‌های عمده خود را به آن مرکز و به‌خصوص کوفه منتقل کردند (جعفریان، ۱۳۸۸: ۴۱۵). با ظهور نشانه‌های ضعف در حکومت عباسیان در انتهای قرن سوم و اوایل قرن چهارم، حضور شیعیان در حجاز رو به فزونی نهاد. با قدرت گرفتن سلسله فاطمیان در مصر، برای مدت‌ها در مکه و مدینه خطبه به نام آن‌ها خوانده می‌شد و این خود نشانگر این موضوع است که حاکمان مکه و مدینه شیعه بوده‌اند. برخی اخبار حاکی از این هستند که در قرن ۲۱ مکه مملو از شیعیان بوده است (درخشه و جمیری، ۱۳۹۰: ۲۸). به خاطر شفاف نبودن آمارها در عربستان، هیچ آمار رسمی و واضحی حتی درباره کل جمعیت شیعه عربستان نیز وجود ندارد. با این حال، پس از جامعه شیعی عراق و لبنان، شیعیان عربستان سومین جامعه شیعی عرب هستند که مشارکت آنان در جوامع سنی به نسبت سایر شیعیان عرب بسیار کمتر است (فولر، ۱۳۸۴: ۳۵۳).

در واقع همواره مقامات رسمی عربستان به دلایل سیاسی، امنیتی و اجتماعی و اقتصادی، تعداد شیعیان استان شرقی عربستان را کمتر از میزان واقعی اعلام کرده‌اند. از این رو آخرین آمار منتشر شده در مورد جمعیت شیعیان این منطقه قابل اعتماد نیست. یکی از گروه‌های ضد شیعه عربستان، آمار شیعیان این کشور اعم از اسماعیلیان و زیدی‌ها را ۹۷۰۵۴۲ نفر اعلام کرده که این آمار معرف ۵ درصد از جمعیت ۱۹/۴۰۹/۰۵۸ نفری عربستان است. در سال ۲۰۰۰ وزارت امور خارجه آمریکا جمعیت شیعیان که اکثریت آن‌ها در استان شرقی

عربستان ساکن‌اند را ۹۰۰/۰۰۰ نفر اعلام کرد. باوجود این شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد تعداد واقعی شیعیان عربستان بیش از آمارهای اعلام‌شده است و شیعیان «احساء» و «قطیف» پس از عراق بزرگ‌ترین جمعیت شیعه منطقه خلیج فارس را تشکیل می‌دهند و در جهان عرب نیز پس از لبنان و عراق بزرگ‌ترین جمعیت شیعه محسوب می‌شوند. با استناد به نظرات دیپلمات‌های ایرانی ساکن در عربستان، شیعیان حجازی ساکن در ایران، برخی از کارشناسان این حوزه، سایت وزارت خارجه و کنگره آمریکا و نویسندگان سعودی، می‌توان درباره جمعیت شیعه این کشور به این نتیجه رسید که واقعی‌ترین آمار از میزان جمعیت شیعه در عربستان در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت کل این کشور است. بر اساس آمارهای غیررسمی جمعیت شیعیان در عربستان بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر برآورده شده است که اکثریت آن‌ها در منطقه شرقیه ساکن هستند که در میان آن‌ها قطیف با ۹۷ درصد، احساء با ۶۰ درصد و دمام مرکز شرقیه با ۲۰ درصد مهم‌ترین شهرهایی هستند که شیعیان اثنی عشری را در خود جای داده‌اند. شیعیان اسماعیلی نیز در مناطق کوهستانی جنوب غرب عربستان و مجاور مرزهای یمن سکونت دارند که به لحاظ جمعیتی در اقلیت هستند (نادری، ۱۳۸۸-۸۱۳-۸۱۲). به‌رحال فارغ از آمارهای رسمی و غیررسمی از جمعیت شیعیان عربستان، آنچه می‌توان به‌صراحت مطرح نمود این است که شیعیان در عربستان سعودی به‌عنوان یک نیروی عمده و فعال و برجسته‌ترین اقلیت در مرزهای سعودی شناخته‌شده و می‌شوند. این طیف در عرصه سیاسی این کشور و به‌طورکلی در منطقه نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری ایفا می‌کند (بهرام شاهی، ۱۳۸۷: ۴).

تأثیر ماهیت دولت پاتریمونال فرقه‌گرا بر حقوق مذهبی شیعیان

گرچه از زمان عبدالعزیز، حکومت آل سعود از حقوق نسبی شیعیان در اقامه نماز و ادای فرایض مذهبی در مساجد خود در مقابل وهابیان متعصب و افراطی دفاع کرده است، اما

وهابیان همچنان به اعمال فشار و تبعیض‌های گوناگون برای تحمیل عقاید خود به آن‌ها ادامه داده‌اند (عاطفه مند، ۱۳۹۵: ۱۱۴). شیعیان در مناطق شرقی تا زمان به قدرت رسیدن آل سعود، از قدرت و اقتدار خوبی برخوردار بودند و مراسم مذهبی خود را آزادانه به جا می‌آوردند. اما از اوایل قرن بیستم و قدرت گرفتن دولت وهابی سعودی، حاکمان سعودی و ناظران محلی، به شدت از انجام مراسم مذهبی شیعیان ممانعت به عمل می‌آوردند. این محدودیت‌ها عبارت بودند از: ممنوعیت اعلام عمومی برای نماز و دعا، چاپ و انتشار متون دینی، ساخت مساجد و از رونق انداختن مراکز تعلیم علوم دینی، تخریب مراقد ائمه و اماکن مقدس، تعقیب و آزار آن‌هایی که مراسم مذهبی از قبیل عاشورا و زیارت مراقد ائمه را به جای می‌آوردند. در نتیجه، ناگزیر آغاز بنیان‌گذاری عربستان سعودی، تضعیف جدی نهادهای شیعی را به دنبال داشت (عاطفه مند، ۱۳۹۵: ۱۱۶). در واقع می‌توان گفت که شیعیان عربستان سعودی، به لحاظ مذهبی در معرض تبعیض دینی نظام‌مند، رسمی و قانونی قرار دارند. آنان تنها شیعیان جهان اسلام‌اند که به‌طور رسمی منزلت دینی‌شان انکار می‌شود (فولر و دانکه، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

به‌علاوه، هنوز هم روحانیون مذهبی دولتی اغلب با استفاده از عبارات تحقیرآمیز مانند رافضه یا روافض به معنای «رد کننده» شیعیان را خطاب قرار می‌دهند و به اعتقادات و اعمال آن‌ها انگ می‌زنند. آن‌ها همچنین اختلاط بین اهل سنت و شیعه و همچنین ازدواج‌های میان دو مذهب را محکوم کرده‌اند. یکی از اعضای فعلی شورای علمای ارشد عربستان سعودی، عالی‌ترین نهاد مذهبی این کشور، در یک جلسه عمومی به سؤالی درباره شیعیان پاسخ داد که «آن‌ها برادران ما نیستند، بلکه برادران شیطان هستند...» (Human Rights Watch, 2017: 2). علاوه بر اظهارات علمای دینی عربستان، تعصبات ضد شیعه به سیستم قضایی عربستان سعودی که توسط نهادهای مذهبی کنترل می‌شود نیز تسری پیدا کرده و اغلب شیعیان سعودی در معرض رفتار تبعیض‌آمیز یا جرم‌انگاری خودسرانه اعمال مذهبی شیعه قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۵، دادگاهی در عربستان یک

شهروند شیعه را به دلیل برگزاری نمازهای گروهی خصوصی شیعیان در خانه پدرش در شهر خوبر استان شرقی، شهری که مقامات سعودی در آن اجازه حضور در مساجد شیعیان را نمی‌دهند، به دو ماه زندان و ۶۰ ضربه شلاق محکوم کرد. در سال ۲۰۱۴، دادگاهی در عربستان سعودی یک مرد سنی را به اتهام «هم‌نشینی با شیعیان» محکوم کرد (Human Rights Watch, 2017: 3).

در سال‌های اخیر و با اصلاحاتی که توسط محمد بن سلمان اجرا شده است، شرایط مذهبی شیعیان کمی بهتر شده است و واعظان سنی مذهب در صورت ایجاد نفرت علیه شیعیان مورد بازخواست قرار می‌گیرند. با این حال، همچنان شیعیان به عنوان اقلیت مذهبی از تبعیض و فشارهای گوناگون رنج می‌برند. به عنوان مثال، محتوای ضد شیعی همچنان در احکام دینی صادر شده توسط شورای دولتی تحقیقات علمی و صدور فتوا، وابسته به شورای علمای ارشد عربستان سعودی بارز است و فتوای مربوط به حرام بودن احداث زیارتگاه و تمامی مناسک مرتبط با آن به عنوان اعمال گناه‌آلود بت‌پرستی و شرک همچنان در وبسایت شورای مذکور یافت می‌شود. این شورا بالاترین مؤسسه مذهبی رسمی در عربستان سعودی است، اما هیچ عالم شیعه‌ای را در بین ۲۱ عضو آن که همگی با دقت توسط دولت انتخاب شده‌اند و توسط مفتی اعظم کشور منصوب می‌شوند، حضور ندارند (Caruso, 2021: 5).

شیعیان همچنین در مدیریت نهادهای اسلامی بین‌المللی و تأسیس شده توسط عربستان سعودی مانند اتحادیه جهانی مسلمانان و مجمع جهانی جوانان مسلمان غایب هستند، سازمان‌هایی که به ایجاد لحن آشتی‌جویانه نهادهای سنی مذهب در جهان کمک می‌کنند. اگرچه برخی از شیعیان سعودی در کنفرانس بین‌المللی ماه مه ۲۰۱۹ در مکه شرکت کردند، اما اغلب علمای شیعه سعودی در این گردهمایی غایب بودند، جایی که تحت حمایت اتحادیه جهانی اسلام، ۱۲۰۰ فقیه و ۴۵۰۰ روشنفکر از ۲۷ فرقه مختلف اسلامی و

۱۳۹ کشور، منشوری را برای ارائه تصویری معتدل از اسلام آن امضا کردند و محمد بن سلمان هم رسماً از این اقدام حمایت کند (Caruso, 2021: 5)

تأثیر ماهیت دولت بر جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی

شیعیان عربستان پس از شیعیان عراق، بزرگ‌ترین جامعه شیعی عرب را در خلیج فارس تشکیل می‌دهند. با این وجود، مشارکت آنان در جامعه سنی از تمام شیعیان عرب کمتر است (متین، ۱۳۸۲: ۱۵۵). شیعیان در ساختار سیاسی عربستان سعودی جایگاهی ندارند. هیچ‌یک از مقامات بلند پایه و میانی نظام سیاسی عربستان سعودی را شیعیان تشکیل نمی‌دهند و این امر چندان مایه تعجب نیست. زیرا وهابیان حاکم بر نظام قضایی بانفوذ در هیئت حاکمه اجازه هیچ‌گونه پیشرفت سیاسی را به آنان نمی‌دهند. با توجه به دو ستون قدرت در عربستان یعنی خاندان سعودی (قدرت سیاسی) و علمای وهابی (قدرت مذهبی)، وهابیت به مثابه مذهب رسمی در تمام شئون تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار است و تمامی وزیران، نمایندگان سیاسی رسمی مأمور در کشورهای دیگر و استانداران بایستی دارای مذهب وهابی باشند (افشاری راد، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

از بعد سیاسی، گروه‌های شیعی هیچ جایگاهی در حکومت عربستان ندارند و از دید حاکمان سعودی تفکر شیعه، ایدئولوژی خطرناک برای تداوم حاکمیت آنان به شمار می‌آید. از سوی دیگر، وجود چهار هزار شاهزاده در عربستان موجب شده است که آنان تمامی مسئولیت‌ها و مراکز قدرت را در اختیار داشته باشند. برای مثال، وزارتخانه‌های مهم از قبیل دفاع، خارجه و کشور به دست شاهزادگان اداره می‌شوند. همچنین ریاست شورای عالی اداری در وزارتخانه‌های خدماتی نیز بر عهده آنان است. شورای عالی، سیاست کلی وزارتخانه‌ها را تعیین می‌کند و همچنین فرماندهی در سطوح مختلف نیروهای مسلح و پایگاه‌های نظامی را در اختیار دارد. این در حالی است که شیعیان از استخدام در نیروهای نظامی محروم‌اند. اعمال فشار سیاسی توأم با استبداد و شیوه‌های ارباب، مجموعه‌ای از

رفتار رژیم سعودی علیه شیعیان است که قدرت را به‌طور انحصاری در اختیار دارد (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۲۲). هرچند شیعیان در کمپانی‌های نفتی فعال در استان شرقی مشغول به فعالیت هستند، اما به آنان اجازه رشد و ارتقا داده نمی‌شود، زیرا سقف ارتقاء موقعیت اجتماعی آنان به واسطه تبعیض‌های فرقه‌گرایانه مذهبی محدود است. به این ترتیب شیعیان در هیچ‌یک از ارکان سیاسی عربستان سعودی حضور فعال نداشته و در تمامی سطوح مدیریتی از وزیران تا استانداران و فرمانداران و ... از آن‌ها استفاده نمی‌شود. بنابراین بی‌تردید یکی از مظاهر آشکار تبعیض، عدم حضور و یا حضور نادر شیعیان در پست‌های رسمی حکومتی است. هیچ وزیر یا عضو کابینه سلطنتی شیعه هرگز وجود نداشته است. تنها شخص شیعه «جمیل الجیشی» سفیر عربستان در تهران از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ بود که وی نیز پس از مدتی با تغییرات رخ داده در عربستان سعودی از منصب خود کنار گذاشته شد (افشاری راد، ۱۳۹۱: ۱۰۹). با آغاز اصلاحات سیاسی از ابتدای دهه ۱۹۹۰ که با نوشتن قانون اساسی در سال ۱۹۹۲ و به‌صورت مشخص در سال ۱۹۹۳ شروع شد، ملک فهد پادشاه سابق عربستان انتصاب ۲۰۰ نفر را برای نمایندگی مجلس محلی در سرتاسر کشور تأیید کرد. در این میان تنها یک کرسی به شیعیان در مجلس مشورتی داده شد (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۲۳). همچنین وقتی که ملک فهد در سال ۲۰۰۵ مجلس شورا را از ۱۲۰ عضو به ۱۵۰ عضو افزایش داد تنها دو عضو شیعه دیگر به اعضای مجلس شورا اضافه شدند و تعداد آنان به ۴ نفر رسید (فرهنگ و پژوهش حکمت: ۴۳).

به نظر می‌رسد انتصاب اعضای شیعه در شورا بیشتر برای گمراه کردن افکار عمومی و آرام کردن جامعه معترض شیعه و نیز نوعی ژست دموکراسی در برابر نهادهای پرسشگر در خصوص اقلیت‌ها بوده است. چراکه اولاً با توجه جمعیت بیش از ۱۰ درصدی شیعیان عربستان، حضور چهار نفر شیعه در این شورا نمی‌تواند منصفانه و عادلانه باشد. همچنین با توجه به ماهیت انتصابی این گونه افراد، در حقانیت و مورد اعتماد بودن ایشان در جامعه شیعیان عربستان محل تردید است. در نهایت مشاوره‌های شورای مشورتی برای پادشاه و

دولت سعودی به هیچ وجه الزام آور نبوده و لذا وجود و تأثیرگذاری این شورا اساساً همراه با ابهام است (مکرمی قرطاول و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۶۲). همچنین در شکل‌دهی مجدد و هم‌زمان شورای ۱۵ نفره منطقه‌ای در منطقه شیعه‌نشین شرقیه که مستقیماً به امیر منطقه گزارش می‌دهد و قدرت بیشتری از شورای انتخابی دارد، نیز شاهد کاهش اعضای شیعه از ۲ به ۱ نفر هستیم (فرهنگ و پژوهش حکمت: ۴۳).

در حقیقت، دولت تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم، نوع حکومت پاتریمونال و تسلط شدید اندیشه وهابیت، از مشارکت اقلیت شیعه ممانعت ورزیده و قادر به مشارکت دادن آن‌ها در ساختار سیاسی و حکومتی نبوده است؛ اصلی که امروزه در نظام حقوق بشر و حقوق بین‌الملل تحت عنوان حق سرنوشت داخلی از آن یاد می‌شود. شاید با توجه به نبودن نهادهای انتخابی در درون جامعه عربستان بحث از حق تعیین سرنوشت درونی از نظر سیاسی نوعی آرمان‌گرایی و آرمان‌خواهی به نظر برسد، چراکه هیچ‌یک از مردم عربستان، جز خاندان سعودی و فرزندان عبدالوهاب، قدرت انتخاب کردن و انتخاب شدن نداشته باشد و همه مقامات انتصابی هستند، لیکن در همین انتصابات نیز جامعه شیعی در مطلقاً در نظر گرفته نمی‌شود و در رده‌های بالای حکومتی و حتی رده‌های پایین‌تر حضور شیعیان منتفی است (مکرمی قرطاول و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۷۵).

تأثیر ماهیت دولت پاتریمونال فرقه‌ای بر جایگاه اقتصادی شیعیان

از اوایل قرن بیستم و با قدرت گرفتن دولت وهابی سعودی، سختگیری‌ها بر شیعیان افزایش یافت و هزاران مهاجر غیر شیعه به مناطق آن‌ها عزیمت کردند و به ساخت شهرها و مراکز تجاری جدید که کمتر نفع شیعیان را تأمین می‌کرد، مساعدت نمودند. این هجوم موجب زوال شبکه‌های کشاورزی و تجاری قدیمی که به‌طور سنتی پاسخگوی نیازهای جامعه و اقتصاد منطقه بود، گردید. مهم‌تر آنکه مهاجران سنی و تجاری که وارد منطقه شدند، از تجار شیعه سرباز زدند و بیشتر مایل بودند که با هم‌مسلمان خود، از مرکز و غرب عربستان

معامله نمایند. نخل داران شیعه که زمانی با تجاری از آسیای میانه و آفریقای شرقی به تجارت مشغول بودند، شاهد مصادره منابع و محصولات خود به وسیله دولت بودند (عاطفه مند، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۲۰).

همچنان که تاکنون این شرایط تغییری نکرده است، شیعیان منطقه مرتب از کار اخراج می شوند، به خصوص از شرکت نفتی «عربی-آمریکایی» که یک سوم نیروی کار و مشاغل تخصصی و فنی آن را تشکیل می دهند. برخی از محققان مانند بیل برانند که «شیعیان سعودی در تمام بخش‌ها و سطوح اکتشاف و استخراج نفت بسیار مفید و تأثیرگذار هستند» (Brill, 1978: 188). اما شواهد دیگری نیز بر بازرگانی آن‌ها از حضور در سطوح و مدارج مدیریت این صنعت کلیدی در عربستان در دست هست. برخلاف دیگر بلاد حاشیه خلیج فارس که شیعیان عموماً خاندان متنفذ و ثروتمندی در آن‌ها دارند، شیعیان عربستان از شرایط بسیاری پرخطر و بحرانی در فعالیت‌های اقتصادی رنج می بردند. آن‌ها در مقایسه با سنیان از شانس بسیار ناچیزی در کسب موقعیت‌های اقتصادی برخوردار بوده و از تمام امکانات ارزشمندی که در احساء از قبل اکتشاف نفت ساخته شده، بی بهره ماندند. این تبعیضات چنان بود که شاید بتوان شهرهای شیعی مهم احساء مانند هفوف و قطیف را در مقایسه با شهرهای دیگر هم‌جوار مانند دمام، جبیل و خبار که آن‌ها هم از اکتشافات نفتی بی بهره نبوده‌اند. بسیار عقب مانده‌تر و شاید جنگ زنده لقب داد. شیعیان به راستی معتقدند که این تقسیم بودجه ناعادلانه کشور که به شکل تبعیض آمیزی آن‌ها را در مضیقه قرارداد، آن‌ها را از حقوق ابتدایی خود مانند بهره‌گیری از بیمارستان، مدرسه، دانشگاه، راه‌های ارتباطی امن و سالم و دیگر خدمات عمومی محروم داشته است (گلدبرگ، ۱۳۸۹: ۴۵۸).

با توجه به اینکه شیعیان در مناطق نفت خیز عربستان زندگی می کنند و ثروت و درآمد عربستان از صادرات نفت این محدوده جغرافیایی است، اقلیت شیعه حق برخورداری

مناسب و عادلانه از این ثروت را برابر با سایر شهروندان سعودی داراست. اما نه تنها این‌گونه نیست، بلکه مناطق شیعه‌نشین دارای کمترین امکانات رفاهی در کلیه حوزه‌ها از جمله حوزه سلامت و بهداشت، آموزش و غیره در مقایسه با مناطق وهابی نشین است.

تأثیر دولت پاتریمونال فرقه‌گرا بر وضعیت آموزشی شیعیان

آموزش و پرورش از بخش‌های اساسی پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای است، چراکه شهروندان آن جامعه با تحصیل و گذراندن سال‌های مهم زندگی در کلاس‌های درس، برای تربیت و یافتن شغل آموزش می‌بینند. لذا هر نوع محرومیت یا تبعیض علیه شهروندان در بخش آموزش موجب عقب افتادن آن‌ها از دیگر هم‌نوعانشان در آینده شغلی و حوزه‌های دیگر خواهد شد. چنین شرایطی درباره شیعیان عربستان صدق می‌کند. چراکه در نظام آموزشی این کشور، از طریق مدرسان و کتب درسی، کلاً از اسلام شیعی به‌عنوان فرقه‌ای رافضی (بدعت‌آمیز) یاد می‌شود. مثلاً کتب درسی، اغلب، شیعیان را افرادی بی‌دین توصیف می‌کند که یگانگی خدا را نفی می‌کنند (Matthiesen, 2013; 73).

از باب نمونه، دیدبان حقوق بشر نمونه‌هایی را بیان می‌کند که در آن‌ها معلمان، دانش‌آموزان شیعه را بی‌دین خوانده‌اند یا به دلیل بحث از تشیع، تعلیق شده‌اند (2009, Watch Rights Human 11-10). راه نیافتن شیعیان به مناصب مهم در نظام آموزشی نیز محسوس است. مثلاً، بر اساس آمار سال ۲۰۱۲، در ۲۰۰ مدرسه دخترانه در منطقه احساء، که جمعیت کثیری از شیعیان را در خود جای داده است، هیچ مدیر شیعه‌ای وجود ندارد و از ۲۰۰ مدرسه پسرانه، فقط ۱۵ مدیر مدرسه شیعه هستند. در نهایت، کارکنان اهل تشیع، از تدریس موضوعات خاصی نظیر تاریخ و مذهب خویش در مدارس محروم‌اند (کلارکسون، ۱۴۰۱: ۶۶).

افزون براین، شیعیان مرتباً از آموزش عالی محروم‌اند و اگر برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروند، وفاداری‌شان به حکومت عربستان سعودی در معرض تردید قرار می‌گیرد. شمار اندکی از شیعیان، در آموزش عالی به‌عنوان استاد یا عضو هیئت علمی استخدام می‌شوند. مثلاً، بر اساس گزارش وزارت خارجه ایالات متحده، در دانشگاهی در احساء، که ۵۰ درصد جمعیت آن شیعه است، فقط پنج درصد استادان شیعه‌اند. مطرح شدن و ورود اندیشه ضد شیعه‌گری در گفتمان آموزشی، موجب پذیرش و افزایش احساسات ضد شیعی در میان کارکنان و دانشجویان شده و تصور خروج تشیع از دایره اسلام، معمول و متداول می‌شود. وانگهی، محرومیت شیعیان از تصدی مناصب مهم در نظام آموزشی یا تدریس موضوعات خاص، به‌ویژه در جاهایی که شیعیان بخشی مهم یا اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، حاکی از وجود نابرابری شدید و نبود آزادی آموزشی در زمینه استخدام است. این، بخشی از الگوی گسترده‌تر تبعیضی است که در عربستان سعودی علیه شهروندان شیعه در عرصه استخدام و محل کار وجود دارد (کلارکسون، ۱۴۰۱: ۶۶).

دانش‌آموزان، به‌ویژه دختران نوجوان، بر اثر القانات مذهبی ضد شیعی، دست از تشیع کشیده‌اند. اکثر شکایات و فشارهای واردشده بر شیعیان به موضوعات فرهنگی آموزشی منحصر شده است که این نکته حائز اهمیت است؛ به دلیل اینکه هم نشانه درک شیعیان از اهمیت و ارزش این امور در شکل‌دهی به ساختار جامعه است و همچنین نشان می‌دهد که این عامل توانسته به شیعیان در مقابله با وهابیت کمک کند، در همین راستا تدریس ادبیات و تاریخ شیعه در مدارس محلی ممنوع و در معدود مدارس که امکان حضور زنان در آن‌ها فراهم بود، شیعیان حق بهره بردن از آموزش را نداشتند. تمام این تبعیضات اجتماعی باعث شد تا شیعیان خود را به‌عنوان انسان‌های درجه‌دو جامعه سعودی احساس کرده و خود را از تمام امکانات در برابر و همگانی اجتماعی و اقتصادی محروم ببینند. در هیچ‌یک از مدارس دخترانه منطقه مدیر و معلم شیعه وجود ندارد و این امر به‌گلایه ورزی گروهی از فعالان زن شیعه انجامیده است که می‌گویند قادر به پیگیری امر تحصیل فرزندان خود

نیستند. اخیراً این ممنوعیت لغو شده، اما به زنانی که برای معلمی آموزش دیده‌اند، اغلب به‌طور عمدی مشاغلی به‌دوراز استان بومی‌شان پیشنهاد می‌شود. در جامعه سختگیر سعودی، که در آن اصولاً کارکردن برای زنان با مشکل همراه است، دوری زنان از خانواده مشکلات مضاعفی به همراه دارد. باین‌همه، زنان شیعه بسیاری از این مشاغل را به‌عنوان نوعی مبارزه‌جویی و نیز اظهار خوداتکایی جامعه شیعه پذیرفته‌اند و این درحالی‌که است که به معلمان شیعه در مدارس شرق کشور در مورد خصوصی‌نگه‌داشتن عقاید خود هشدار داده‌شده و جریمه‌های سنگینی برای نقض این قانون وضع شده است، درحالی‌که وهابیت در کل دوره تحصیل مورد تأکید و تجلیل قرار می‌گیرد. اما باید گفت این پایان محدودیت‌ها نیست، شیعیان با اتمام تحصیل با فشارهای مضاعفی روبه‌رو هستند. یافتن شغل در دستگاه‌های امنیتی پلیس و ارتش بسیار دشوار و در بخش‌های خصوصی نیز گرچه آوردن منبع مستند دشوار است، اما به نظر می‌رسد در آن حوزه نیز تبعیض رایج است.

تأثیر دولت پاتریمونال فرقه گرا بر شرایط حقوقی شیعیان عربستان

از دیگر رویکردهای اقتدارآمیز نظام نئوپاتریمونال عربستان سعودی از زمان ولایتعهدی بن سلمان، تشدید سیاست‌های انزوا، محرومیت، سرکوب و اعدام شیعیان این کشور بوده است که می‌توان این رویکرد را ذیل مسئله چالش علیه حکومت و در قالب تظاهرات اعتراض‌آمیز و اعتصابات عمده قرارداد. این مسئله در منطقه العوامیه، در شرق عربستان که منطقه سکونت شیعیان این کشور بوده و از منابع غنی نفتی برخوردار است، کماکان ادامه دارد. بن سلمان که خطر شورش و قیام شیعیان این کشور را همواره احساس می‌کند، پس از جریانات منتهی به بیداری اسلامی، اعدام شیخ باقر النمر و محرومیت فزاینده شیعیان این کشور از مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفته است (Monoret, 2016: 4). در این راستا، بن سلمان برای کنترل هرچه بهتر اوضاع

شیعیان عربستان، به اتخاذ برخی از سیاست اقتدارگرایانه روی آورده است، طرح تخریب منطقه عوامیه و کوچ اجباری شیعیان، نخستین طرح بن سلمان، تخریب محله تاریخی عوامیه است. بن سلمان درصدد است با کوچ اجباری آنان، مسئله نظارت و بایکوت شیعیان عوامیه را با شدت بیشتری محقق کرده و هویت و قدمت فرهنگی شیعیان این منطقه که بالغ بر ۴۹۹ سال است را نابود کند (Yekrangi&AliPour,2017: 68). ورود سازمان ملل به بحران تخریب عوامیه و ابراز نگرانی‌های عمیق این سازمان از بحران‌های حقوق فرهنگی در عربستان و تشدید فشارهای بین‌المللی، بن سلمان با اعلام این مسئله که هدف وی، بازسازی و احیای بناهای تاریخی این منطقه است، سعی در جلب رضایت شیعیان این منطقه کرد، مسئله‌ای که سیاست‌سازان، تحلیلگر مسائل خاورمیانه آن را رد می‌کند و هدف اصلی این طرح را به حاشیه راندن و تفرق شیعیان و دوری آنان از مناطق نفت‌خیز عربستان برمی‌شمارد (فرزین راد و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۳). سیاست‌های سرکوبگرانه در قبال شیعیان و اعدام‌های پی‌درپی مخالفان شیعی: سیاست سرکوب و اعدام شیعیان معترض عربستان از سوی پادشاهان آل سعود مسبوق به سابقه بوده است. در اعتراض‌های وسیع سال شهر قطیف، سران سعودی مرکز تاریخی این شهر را با خاک یکسان کرده و جای آن یک پارکینگ و مسجد برای سنی‌ها ساختند. در همین راستا، بن سلمان نیز سیاست تشدید فشارها و سرکوب را در قبال شیعیان و نیز دستگیری، زندانی، شکنجه و اعدام را علیه آنان ادامه می‌دهد. به نظر می‌رسد دلیل این برخورد سخت حکومت عربستان با شیعیان عوامیه در شرایط کنونی، قدرت‌نمایی و لیبعهد جدید این کشور باشد. در واقع بن سلمان درصدد نشان دادن این مسئله است که وی از پس مخالفان شیعه داخل کشور برمی‌آید و خارج از مرزها هم‌توان برخورد با ایران را دارد. بن سلمان در حالت رادیکال، اقلیت شیعیان این کشور را جماعتی ناراضی و در بدترین حالت حتی تروریست خطاب می‌کند که مورد حمایت ایران هستند و از سوی حکومت ایران مورد حمایت قرار می‌گیرند (فرزین راد و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۳).

سرکوب خشونت‌بار شیعیان عربستان با قتل، شکنجه و دادگاه‌های ناعادلانه بن سلمان علیه آنان به گونه‌ای تشدید یافته است که به تعبیر برخی از کارشناسان، بن سلمان به مردم خود اعلام جنگ کرده است. آن‌هم جنگی که در تاریخ ۸۰ ساله این کشور سابقه نداشته است. شدت این سرکوب‌ها به گونه‌ای است که اکنون ۹۰ درصد ساکنان عوامیه یا از این شهر به اجبار کوچ کرده‌اند یا گریخته‌اند. از طرفی دیگر، محمد بن سلمان پیش از تصدی ولیعهدی عربستان، مهم‌ترین مشاور پدرش، سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه کنونی سعودی‌ها قلمداد می‌شد. این مسئله، در سرکوب و انزوای بسیاری از نیروهای مخالف، همچون شیخ باقر نمر الباقر، روحانی برجسته شیعیان عربستان، نمود یافت (فرزین راد و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۳). شیخ باقر النمر در پی اعتراضات شیعیان عربستان در سال ۲۰۲۰ از سوی نیروهای امنیتی این کشور دستگیر شد. عمده چالش‌های مابین شیخ باقر النمر و حکام سعودی حول سه مسئله کلان قرار داشت:

۱. به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعه از سوی آل سعود و رسیدگی به بقاع متبرکه شیعیان این کشور همچون قبرستان بقیع؛
۲. الغا یا اعمال تغییرات اساسی در شیوه‌های آموزشی و درسی کشور عربستان؛
۳. برگزاری و شکل‌گیری رسمی انتخابات در کشور عربستان سعودی در راستای فعالیت تمامی طیف‌های اجتماعی موجود همچون شیعیان (Mamadkui, 2016: 18). سرانجام شیخ باقر النمر، در اکتبر ۲۰۱۵ و در دادگاه جنایی عربستان سعودی به دلیل اقدام علیه امنیت ملی و محاربه، به «اعدام با شمشیر و به صلیب کشیده شدن در انظار عمومی» محکوم و در ۲ ژانویه ۲۰۱۶ اعدام شد که این مسئله واکنش منفی گسترده‌ای را در منطقه و سازمان‌های مستقل بین‌المللی ایجاد کرد (Teitelbaum, 2016, 3). بعد از اعدام شیخ نمر، تعداد زیادی از شیعیان عربستان بخصوص شعر العوامیه علیه دولت سعودی اعتراض کردند و نیروهای امنیتی و ارتش این شهر را به طور کامل محاصره کردند و ساکنان شهر اجازه ورود یا خروج را نداشتند و نیروهای نظامی هم بی‌رویه

محلّه‌ها را با حملات هوایی، خمپاره‌ای همراه با تک‌تیراندازها گلوله‌باران کردند. در پی این محاصره، چند نفر از ساکنان العوامیه از جمله یک کودک ده‌ساله کشته و ده‌ها غیرنظامی شیعه مجروح شدند. (independent, 2017).

نتیجه‌گیری

آل سعود از اوایل قرن بیستم توانستند بر همه شبه‌جزیره عربستان تسلط پیدا کنند و زان پس نظامی با شاخصه‌های پدرسالاری و فرقه‌ای در این کشور شکل گرفت. نظامی که از یک‌طرف، آموزه‌های وهابی-سلفی را راهنمای ایجاد قوانین و تفسیر سخت‌گیرانه از دین دانست و از طرف دیگر توانست حکومت در عربستان را به صورت موروثی و خاندانی تبدیل کند. پیوند این دو شاخصه، به تثبیت و نهادینه کردن حکومت آل سعود در عربستان کمک کرد و مردم این کشور مجبور شدند تحت لوای این دولت پاتریمونال فرقه‌گرا زندگی کنند.

در چنین شرایطی، شیعیان به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت دینی در عربستان، با پیامدهای سوء این الگوی حکمرانی مواجه شدند و از انواع محرومیت‌ها و تبعیض‌ها رنج می‌برند. در چارچوب دولت پاتریمونال فرقه‌گرای عربستان سعودی، شخص پادشاه و ولیعهد همه امور سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی را در کنترل دارند و به هیچ شخص و گروهی هم پاسخگو نیستند. زیرا تمام جامعه و شئون آن تحت لوای شخص پادشاه قرار دارد و او مطلق العنان است. به‌علاوه، حکومت عربستان سعودی با تمسک به آموزه‌های سلفی-وهابی میان اهل تسنن و دیگر گروه‌های اقلیت بخصوص شیعیان تبعیض و تمایز قائل می‌شود. زیرا از منظر وهابیت، این گروه‌ها به دلیل داشتن مذهبی غیر سنی از بسیاری از حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی محروم هستند. شیعیان هم به‌عنوان اقلیتی عمده در عربستان، در فرایندهای قدرت نقشی ندارند و لاجرم مانند دیگر اقشار جامعه باید به همه تصمیمات پادشاه گردن نهند، زیرا هر نوع مخالفتی با فرامین او با مجازات سخت مانند اعدام مواجه

می‌شود. زیرا جامعه عربستان ملک شخصی ملک سلمان و محمد بن سلمان شناخته می‌شود و خاندان سعود از طریق دستگاه بوروکراتیک و ارتش و همچنین نهادهای مذهبی اعمال قدرت می‌کنند و قدسی وار بر جای‌جای جامعه عربستان فرمان می‌رانند. بدیهی است که در چنین نظامی، شیعیان که همواره مورد کین و نفرت وهابیان بودند، شهروندانی درجه دوم محسوب شوند و در بسیاری از حوزه‌ها از حقوق اولیه خود هم محروم باشند و دولت از راه‌یابی آنان به ساختار سیاسی ممانعت کند. بنابراین می‌توان گفت ائتلاف دوگانه نظام پاتریمونال و سلطانی خاندان سعودی و روحانیون وهابی شرایط سختی را برای شیعیان در عربستان رقم‌زده است و باوجود کاهش این فشارها بعد از ولیعهدی محمد بن سلمان، آنها هنوز هم از انواع تبعیض‌ها و محرومیت‌ها رنج می‌برند.

منابع

- ابراهیم، فواد (۱۳۸۶)، شیعیان عربستان، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میر رضوی، انتشارات ابرار معاصر.
- افشاری راد، داود (۱۳۹۱)، «دلایل سیاست سرکوب گرایانه در قبال شیعیان عربستان سعودی با رویکرد بنیادگرایی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- بهرام شاهی، مهدی (۱۳۸۸). تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های شیعی در عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس، قم: بوستان کتاب.
- فرزین راد، رویا؛ ذفروزان، یوسف و عالیشاهی، عبدالرضا. (۱۳۹۸). نوپاتریمونیا لیسیم بن سلمان و تشدید چالش دولت-ملت در عربستان سعودی؛ ریشه‌ها و پیامدها، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، شماره ۲۹، بهار، صص ۷۷-۵۱.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸). اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- درخشه، جلال، و جمیری، محمد (۱۳۹۰). انقلاب اسلامی ایران و تحول در حرکت شیعی عربستان سعودی، فصلنامه علمی پژوهشی، شیعه‌شناسی، شماره ۳۹، زمستان.
- موسوی، سیده نرجس (۱۳۹۸). وضعیت شیعیان عربستان سعودی، دو فصلنامه تاریخ‌نامه اسلام، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۷۰-۶۱.
- عاطفه مند، سیده زهرا (۱۳۹۵)، احیای هویتی شیعیان عربستان؛ ابعاد و زمینه‌ها (۲۰۱۵-۲۰۱۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
- کلارکسون، آنیا (۱۴۰۱) روایت رنج: تبعیض ساختاری علیه اقلیت شیعه عربستان سعودی در استخدام و محل کار، ترجمه موسی کرمی، دو فصلنامه هفت آسمان، شماره ۸۲، بهار و تابستان، صص ۵۹-۸۱.

گلدبرگ، یاکوب (۱۳۸۹) شیعیان، اقلیت مهجور در عربستان سعودی، ترجمه م. رفیعی، فصلنامه پیام بهارستان، شماره ۷، صص ۴۶۴-۴۵۱.

محرمی، غلامحسین (۱۳۸۲). تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری؛ قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی.

مکرمی قرطاول، یاسر و عباسی، بیژن (۱۳۹۸). اقلیت‌ها در جستجوی نظام خاص حقوق بشر؛ مطالعه موردی شیعیان عربستان سعودی، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۶۰، بهار، صص ۱۸۴-۱۵۳.

نادری، عباس (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی نظام سیاسی عربستان سعودی، فصلنامه سیاست خارج، شماره ۳.

AliPour, Hassan and Yekrangji, Mohammad. (2017). Legal & Human Rights in Saudi Arabia, Strategic Studies Quarterly, 20 (75) 57-82. [In Persian]

Bakker, Johannes Iemke.(n.d), patrimonialism, available at: <https://www.britannica.com/topic/hierarchy-social-science>.

Brill, J.S.(1978). Ibn Saud's Warriors of Islam: The Ikhwan Movement of Najd and their role in the creation of the Saudi Kingdom, 1910-1930. Leiden: Brill.

Caruso, Antonella (2021), Saudi Arabia Still Treats Shiites as Second-Class Citizens, pp:1-7, available at: <https://foreignpolicy.com/2021/05/11/mohammed-bin-salman-mbs-saudi-arabia-still-treats-shiites-second-class-citizens/>

Human Rights Watch (2009). 'Denied Dignity: Systematic Discrimination and Hostility Toward Saudi Shia Citizens', Human Rights Watch, USA.

Inside the Saudi town that's been under siege for three months by its own government, (2017), available at: <https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/saudi-arabia-siege-town-own-citizens-government-kingdom-military-government-awamiyah-qatif-a7877676.html>

Mamadkul, Jiraroj. (2016). Saudi Arabia – Iran's Foreign Policy Crisis: A Case Study of Execution of Saudi Shia Cleric Shaikh Nimr

- al-Nimr, rangsit journal of social sciences and humanities, 4(1) 75-82.
- Matthiesen, T. (2013). *Sectarian Gulf: Bahrain, Saudi Arabia and the Arab Spring That Wasn't*, Stanford, California: Stanford Briefs
- Menoret, Pascal. (2016). *Repression and Protest in Saudi Arabia*, Crown Center for Middle East Studies, (101), 1-9.
- Teitelbaum, Joshua. (2016). *Domestic and Regional Implications of Escalated Saudi- Iran Conflict*, BESA Center Perspectives Paper, (324), 1-7
- They Are Not Our Brothers .Hate Speech by Saudi Officials, (2017), available at: <https://www.hrw.org/report/2017/09/26/they-are-not-our-brothers/hate-speech-saudi-officials>